

مقایسه عوامل مؤثر بر سرقت علمی بر حسب جنیست و رشته تحصیلی

از دیدگاه دانشجویان

دکتر بی بی عشرت زمانی*، سید امین عظیمی، نسیم سلیمانی

گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۹۱.۱.۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۱.۵.۱۸)

چکیده

زمینه: به دلیل گسترش فناوری اطلاعات، یکی از مهمترین عواملی که در سال‌های اخیر مانع اصلی تولید علم شده، سرقت علمی است. تحقیقات نشان می‌دهد که عوامل گوناگونی در میزان سرقت علمی تأثیرگذار هستند. اینکه آیا این عوامل تأثیرگذار صرفنظر از جنسیت و ماهیت رشته علمی دانشجویان یکسان هستند یا نه! موضوع نوشتار حاضر است.

روش کار: پژوهش حاضر از نوع توصیفی-مقایسه‌ای است که در ۴ گام انجام شده است و مقاله حاضر برگرفته از گام چهارم پژوهش است. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. نمونه آماری شامل ۳۷۰ دانشجوی دانشگاه اصفهان بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از سه دانشکده انتخاب شدند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که تفاوت جنسیتی تنها در سه مؤلفه از ۹ مؤلفه تأثیرگذار بر سرقت علمی وجود داشت، زنان در دو مؤلفه نگرش‌های بازدارنده از سرقت علمی، و همچنین دانش و آگاهی نسبت به پدیده سرقت علمی نسبت به مردان برتری داشتند. ولی میزان خودکارآمدی مردان در انجام کارهای علمی و نوشتن مقاله از زنان بیشتر بود. مقایسه بین رشته‌ها نشان داد که در مؤلفه‌های دانش و آگاهی از سرقت علمی و پیامدهای آن و همچنین عدم خودکارآمدی دانشجویان در نوشتن مقاله بین دانشجویان علوم انسانی با علوم پایه و مهندسی تفاوت معناداری وجود داشت.

نتیجه‌گیری: دانشگاه‌ها لازم است مقوله سرقت علمی را جدی بگیرند، دو نوع راهکار برای پیشگیری و جلوگیری از ارتکاب به سرقت علمی به مسئولان و دست‌اندرکاران توصیه می‌شود: دسته اول شامل راهکارهای عمومی نظیر تصویب قوانین حقوق مالکیت دارایی‌های فکری، استقرار سازوکارهای روشن در دانشگاه‌ها نظیر تصویب مقررات و آیین‌نامه‌های انضباطی برای مجازات و تنبیه سارقان علمی، همچنین روش‌های کشف و شناسایی الکترونیکی سرقت‌های علمی است که این نوع راهکار به رشته تحصیلی و جنس خاصی تعلق ندارد، دسته دوم راهکارهای تربیتی-اخلاقی و آموزشی است که باید در برنامه درسی دانشگاه‌ها گنجانده شود و براساس رشته تحصیلی و جنسیت ممکن است، متفاوت باشد.

کلید واژه‌ها: سرقت علمی، دیدگاه دانشجویان، رشته تحصیلی، جنسیت

سر آغاز

حوزه‌های گوناگون زندگی بشر مصادیق دیگری پیدا کرده است

که «سرقت علمی»^۱، «دزدی علمی» «برداشت ایده» و یا

با پیشرفت فناوری و افزایش حوزه‌های ارتباطی، سرقت در

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: bzamani@edu.ui.ac.ir

جامعه علمی را تشکیل خواهند داد، می‌آموزند که از این آفت‌ها دوری کنند. اما متأسفانه در کشور ما تاکنون کار جدی در این زمینه انجام نشده است و نه تنها بحث‌های جدی در این زمینه دیده نمی‌شود، بلکه برخی از کتاب‌های روش تحقیق که در آنها باید اخلاقیات پژوهش تعلیم داده شود، یکسره از بحث اخلاقی و به‌خصوص بحث سرقت علمی، تهی است (۱۶). این در حالی است که معضل تقلب علمی از گذشته‌های دور دامنگیر جامعه فرهنگی ما بوده و هست. اما در کنار این مسئله نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی نیز وجود دارند که معتقدند زنان و مردان در انجام سرقت علمی به طور یکسان عمل نمی‌کنند و تفاوت‌های جنسیتی، ظرفیت‌های فردی، آسیب‌پذیری‌ها و توانمندی‌ها، ناشی از محیط اجتماعی و هنجارهای فرهنگی جامعه است و چنین عواملی موجب شکل‌گیری ویژگی‌های متفاوتی در دو جنسیت زن و مرد می‌گردد (۱۷). نکته مهم و قابل توجه در دیدگاه یادگیری اجتماعی الگوبرداری از رفتار دیگران است. بنابراین نظریه این مسئله که مردان نسبت به زنان کارهای غیراخلاقی بیشتری انجام می‌دهند ناشی از این است که در فرهنگ و جامعه برای زنان بروز رفتارهای غیراخلاقی نامتعارف جلوه داده شده است. در مقابل این نظریه دیدگاه کلبِرگ قرار دارد که معتقد است انجام رفتارهای اخلاقی و یا غیراخلاقی وابسته به میزان رشد شناختی فرد می‌باشد. از نظر او با توجه به رشد شناختی، افراد در سنین ۱۶ سالگی باید قادر به تشخیص مفاهیم اخلاقی و غیراخلاقی باشند. لذا اگر مراحل رشد شناختی به‌طور کامل سپری شود، هیچ تفاوتی میان زنان و مردان در انجام کارهای اخلاقی و غیر اخلاقی وجود ندارد (۱۸). در صورتی که همانگونه که در پیشینه پژوهش دیده می‌شود، در کشورهای دیگر تفاوت‌هایی بین زنان و مردان در انجام تقلب علمی دیده می‌شود. نیاز به انجام پژوهش‌های بیشتر با توجه به رشد روزافزون اطلاعات بیش از پیش مشخص می‌شود. از این رو، یکی از اهداف پژوهش حاضر بررسی و مقایسه عوامل مؤثر بر سرقت علمی برحسب عامل جنسیت است. از طرفی گسترش رشته‌های تحصیلی و انگیزه‌هایی که در دانشجویان هر رشته برای کسب مدارک وجود دارد، نیاز دیگری برای توجیه انجام پژوهش حاضر است. پژوهش‌های انجام شده قبلی در کشورهای

«کپی‌برداری غیرمجاز» نمونه‌ای از این مصادیق است. دزدی علمی، دستبرد فکری یا ایده دزدی به معنی «تخصیص دادن خلاقیت ادبی یا پژوهشی دیگری یا بخشی از آن یا متن ناشی از آن به خود است، گویی که خود شخص آن را خلق کرده است». امروزه یکی از نگرانی‌های افراد در محیط‌های آموزشی مسئله نداشتن صداقت علمی^۲ و افزایش میزان آن در محیط‌های علمی و آموزشی است (۱،۲). گاهی سرقت علمی با واژه تقلب تحصیلی یکسان در نظر گرفته می‌شود در صورتی که تقلب تحصیلی عبارت است از شکل‌های از تقلب در آزمون و تقلب در انجام تکالیف که دانشجو در آن به دریافت یا دادن کمک غیرقانونی در فعالیت‌های آموزشی و یا دریافت نمره می‌پردازد (۳). آنچه در پژوهش حاضر مطرح است مسئله سرقت علمی است که شاخه‌ای از تقلب تحصیلی محسوب می‌شود و منظور کپی کردن یک متن، یک پاراگراف، یا تعدادی جمله بدون نقل قول صحیح، توضیح و تفسیر ایده‌ها و زبان از یک منبع بدون مستندسازی صحیح، ارائه کار یک فرد (با اطلاع یا بدون اطلاع وی) به منزله کار خود، خرید یا بارگذاری یک مقاله از خدمات تحقیقاتی و ارائه آن به منزله کار خود و به‌طور کلی آوردن مطالب دیگران بدون ذکر منبع و یا ارجاع دهی صحیح می‌باشد. شواهد نشان داده است به دلیل گسترش فناوری‌های اطلاعات، پدیده سرقت علمی در میان دانشجویان شایع‌تر و گسترده‌تر می‌شود (۴). دلایل مختلفی سبب بروز چنین عملی از سوی افراد می‌شود که در پژوهش‌های متعدد به آن اشاره شده است (۵-۹). در این پژوهش با بررسی پیشینه پژوهش‌های متعدد، نه دلیل اصلی برای این پدیده برشمرده شده است (۱۰)، که عبارت‌انداز: فقدان آگاهی و دانش^۳ (۱۱، ۱۲)، نگرش‌های شخصی^۴ (۷)؛ تسهیلات اینترنتی^۵ (۱۳، ۱۴، ۱۰)؛ عدم خودکارآمدی در نگارش مطالب علمی: عامل فشار (۱۵)؛ قوانین مؤسسه‌ای و سازمانی؛ ارزش‌های اخلاقی و باورهای فرهنگی جامعه؛ آموزش‌های مرتبط با سرقت علمی و واکنش اساتید نسبت به سرقت علمی دانشجویان است. مسلم است که سرقت علمی در تمام کشورهای دنیا وجود داشته و خواهد داشت. مانند ناخالصی در هر مورد از جهان هستی، پژوهش و علم هم، دارای آفت‌هایی هستند. در دنیا از طریق آموزش صحیح به دانشجویانی که محققان و اساتید

هر چند نتایج به دست آمده مؤید آن است که سرقت علمی بیشتر در رشته‌های بازرگانی، فناوری و علوم رخ می‌دهد گاهی نتایج تحقیقات برخلاف این موضوع بوده است (۲۲). برای مثال نتایج یک تحقیق نشان داد که دانشجویان بازرگانی نسبت به سایر رشته‌ها سرقت علمی زیادتری نداشتند و دلیل این امر آگاهی بالای استادان از مسائل تقلب و سرقت علمی و تأکید زیاد بر تدریس اخلاقیات به دانشجویان است (۲۳).

در پژوهشی که بر روی ۵۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه میشیگان انجام شد به این نتیجه رسید که دانشجویان رشته روان‌شناسی نسبت به دانشجویان رشته مدیریت نگرش منفی‌تری نسبت به انجام سرقت علمی دارند و زنان نسبت به مردان نسبت به انجام سرقت علمی نگرش منفی‌تری دارند (۲۴). نتایج مطالعه دیگری در بین دانشجویان نشان داده است که احتمال اینکه دانشجویان مرد به رفتارهای غیراخلاقی دانشگاهی مانند تقلب در آزمون یا پروژه مبادرت ورزند بیشتر از زنان است (۲۵). همچنین دانشجویان زن ۱۸ مورد از ۲۳ مورد فعالیت دانشجویی را که به لحاظ اخلاقی سؤال برانگیز بودند را به عنوان بدترین فعالیت‌های علمی معرفی کرده‌اند. از نظر برخی از محققان، زنان نسبت به مردان حساسیت بیشتری نسبت به موضوعات اخلاقی دارند (۲۶).

با بررسی‌های به عمل آمده در پیشینه پژوهش، اکثر تحقیقات انجام شده داخلی یا خارج تنها به تعیین میزان سرقت علمی بر حسب رشته تحصیلی و یا جنسیت پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن عوامل مؤثر در میزان سرقت علمی و عوامل دموگرافیک نظیر جنسیت و رشته تحصیلی در صدد است به سوالات زیر پاسخ دهد.

۱- آیا عوامل مؤثر بر سرقت علمی برحسب عامل جنسیت متفاوت است؟

۲- آیا عوامل مؤثر بر سرقت علمی بر حسب رشته تحصیلی متفاوت است؟

روش

تحقیق حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی و رویه انجام آن بر چهار گام استوار بود. نتایج حاصل از سه گام اول در مقاله‌ای

خارج نشان می‌دهد در برخی از رشته‌ها میزان انجام کارهای غیراخلاقی و به ویژه سرقت علمی بالاتر است. از سوی دیگر، امروزه با پدیدارشدن نهادی به نام دانشگاه که مسئولیت تربیت علمی و اخلاقی نسل تحصیل کرده و متخصص را به عهده دارد، دیگر ابعاد سرقت علمی به افراد خاصی محدود نمی‌ماند و در واقع هر نوع چشم‌پوشی از این عمل به خصوص در عرصه دانشگاهی، چه بسا نتایجی هولناک در پی داشته باشد. البته ناگفته نماند که در جامعه علمی وجود دارند افرادی که به جای تقلید علم به تولید آن می‌پردازند. اما نمی‌توان یقین داشت که از آفت‌های علمی همیشه مصون هستند. لذا هدف دوم مقاله این است که به بررسی رابطه بین عوامل مؤثر بر سرقت علمی و رشته‌های مختلف دانشگاهی بپردازد. نتایج این بررسی می‌تواند در کاهش میزان سرقت علمی و افزایش اعتبار مطالب علمی مؤثر باشد.

محققان دلایل گوناگونی برای تفاوت‌های مشاهده شده در کیفیت شیوع سرقت علمی در رشته‌های علمی گوناگون بیان کرده‌اند. در ادامه به تحقیقات انجام شده در این زمینه اشاره می‌شود.

یک نظرسنجی از ۶۰۰۰ دانشجوی مشغول به تحصیل در ۳۱ دانشگاه برتر آمریکا در مورد اینکه آیا در دوره تحصیلشان دست به سرقت علمی زده‌اند یا خیر؟ انجام شد. براساس نتایج این تحقیق بیشترین درصد به ترتیب در میان دانشجویان بازرگانی (۸۷٪)، مهندسی (۷۴٪)، علوم پایه (۶۷٪) و انسانی (۶۳٪) گزارش شده است (۱۹). در یک پیمایش ملی دیگر که در آن ۵۰۰۰ دانشجو از ۱۱ رشته علمی در آمریکا شرکت داشتند. یافته‌های این پژوهش نشان داد در بعضی از رشته‌های دانشگاهی سرقت علمی بیشتری رخ داده است. رشته‌های بازرگانی و مهندسی بیشترین سرقت علمی را داشتند. رشته‌های تعلیم و تربیت، علوم اجتماعی و علوم در سطح متوسط بودند و رشته‌های هنر و علوم انسانی در پایین‌ترین سطح قرار داشتند (۲۰). در تحقیقات دیگری هم تفاوت معناداری میان رشته‌های علوم پایه، علوم اجتماعی، فناوری و علوم انسانی و تعلیم و تربیت در مورد میزان سرقت علمی وجود دارد (۲۱).

جداگانه با عنوان «شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر سرقت علمی دانشجویان دانشگاه اصفهان» آورده شده که فعلا از مجله پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی نامه پذیرش گرفته و در شماره‌های آتی آن مجله به چاپ خواهد رسید. بعد از اینکه مهمترین عوامل مؤثر در ارتکاب دانشجویان به سرقت علمی در سه گام اول شناسایی شدند در گام چهارم به تفاوت جنسیتی و رشته‌های گوناگون از نظر عوامل شناسایی شده پرداخته می‌شود که نوشتار حاضر به آن اختصاص دارد، قبل از

جدول ۱. گویه‌ها و بارهای عاملی عوامل نهایی پرسشنامه

عوامل	سوالات مقیاس	بارعاملی	واریانس تبیین شده
عامل ۱: نداشتن خودکارآمدی در انجام پژوهش و نوشتن گزارش	۹	۰/۷۷۲	۵/۵۷
	۱۶	۰/۷۶۹	
	۵	۰/۷۲۵	
	۱۷	۰/۶۹۳	
	۷	۰/۶۲۶	
	۸	۰/۶۲۱	
	۱۵	۰/۶۱۵	
	۶	۰/۵۸۷	
	۳	۰/۵۰۸	
	۳۴	۰/۷۲۶	
عامل ۲: نبود وجود سازوکارهای مناسب برای تشخیص و تنبیه سارقان علمی	۴۴	۰/۶۷۹	۳/۷۳
	۴۰	۰/۶۶۸	
	۲۹	۰/۶۳۸	
	۳۳	۰/۶۰۰	
	۳۹	۰/۵۵۸	
	۱۸	۰/۷۸۶	
	۱۹	۰/۷۶۷	
	۱۰	۰/۶۲۹	
	۲۶	۰/۵۷۲	
	۱۱	۰/۵۵۳	
عامل ۳: نداشتن نگرش منفی نسبت به انجام سرقت علمی	۵۱	۰/۶۸۱	۲/۹۰
	۵۰	۰/۶۵۷	
	۵۳	۰/۶۲۳	
	۵۲	۰/۵۷۶	
	۴۹	۰/۵۳۷	
	۴۸	۰/۷۰۳	
	۴۷	۰/۶۵۷	
	۴۶	۰/۵۸۷	
	۱	۰/۷۶۲	
	۲	۰/۶۵۳	
عامل ۴: شرایط فرهنگی اجتماعی	۴	۰/۵۸۴	۲/۲۲
	۱۳	۰/۶۸۶	
	۳۶	۰/۵۸۴	
	۲۲	۰/۶۷۵	
	۲۵	۰/۷۲۴	
	۱۵	۰/۵۴۸	
	۱۲	۰/۶۸۶	
	۳۱	۰/۵۳۷	
	۲۱	۰/۶۸۳	
	۲۰	۰/۵۱۳	
عامل ۵: مدرک گرایی و توجه زیاد به نمره	۱	۰/۷۶۲	۲/۲۲
	۲	۰/۶۵۳	
	۴	۰/۵۸۴	
عامل ۶: نبود آموزش‌های قبلی در مورد چگونگی استناددهی و عدم آشنایی با روش‌های پیشگیری از سرقت علمی در دوران دبیرستان یا در آموزش‌های غیررسمی	۱۳	۰/۶۸۶	۲/۰۴
	۳۶	۰/۵۸۴	
	۲۲	۰/۶۷۵	
عامل ۷: عدم تشخیص سرقت علمی از سوی اساتید و نشان ندادن واکنش نسبت به آن	۲۵	۰/۷۲۴	۱/۸۰
	۱۵	۰/۵۴۸	
	۱۲	۰/۶۸۶	
عامل ۸: نداشتن ترس از تنبیه و مواخذه شدن	۳۱	۰/۵۳۷	۱/۷۸
	۲۱	۰/۶۸۳	
	۲۰	۰/۵۱۳	
عامل ۹: دسترسی به اینترنت و منابع الکترونیکی	۲۱	۰/۶۸۳	۱/۷۵
	۲۰	۰/۵۱۳	
	۲۲	۰/۶۷۵	
عامل ۱۰: فشار	۲۱	۰/۶۸۳	۱/۶۹
	۲۰	۰/۵۱۳	
عامل ۱۱: آموزش‌های ناکافی در دانشگاه برای شناسایی و پیشگیری از سرقت علمی	۲۱	۰/۶۸۳	۱/۶۹
	۲۰	۰/۵۱۳	

کمی در ادبیات داخلی وجود داشت، براساس عوامل استخراج شده از پیشینه پژوهش پرسشنامه‌ای محقق ساخته تدوین شد. در گام دوم، پرسشنامه‌ای محقق ساخته در بین ۳۷۵ نفر از دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری توزیع شد و با روش تحلیل عاملی اکتشافی ۱۱ عامل تأثیرگذار بر سرقت علمی شناسایی شد که در جدول ۱ دیده می‌شود. در گام سوم، با استفاده از نتایج گام دوم، پرسشنامه‌ای تدوین شد

اینکه به روش تحقیق به کار رفته در گام چهارم که مخصوص مقاله حاضر است پرداخته شود، ابتدا توضیحاتی در مورد سه گام اول پژوهش داده می‌شود:

در گام اول، به روش کتابخانه‌ای مهمترین شاخص‌های تأثیرگذار بر سرقت علمی در ادبیات و پیشینه پژوهش شناسایی شدند. از آنجایی که اکثر تحقیقات انجام شده در خارج از کشور انجام شده بود و متأسفانه در زمان انجام پژوهش تحقیقات بسیار

جدول ۲. خلاصه نتایج تحلیل واریانس مانوا برحسب متغیر جنسیت

سطح معناداری	F	میانگین مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	حیطه‌ها	
۰/۰۰۰	۱۳/۱۵۵	۱۹۷/۳۴۹ ۱۵/۰۰۲	۱ ۳۳۰ ۳۳۱	۱۹۷/۳۴۹ ۴۹۵۰/۵۴۳ ۵۱۴۷/۸۹۲	بین گروهی درون گروهی کل	عوامل نگرشی بازدارنده از سرقت علمی
۰/۰۰۰	۲۳/۶۸۵	۱۰۴۸/۴۰۴ ۴۴/۲۶۵	۱ ۳۳۰ ۳۳۱	۱۰۴۸/۴۰۴ ۱۴۶۰۷/۴۸۸ ۱۵۶۵۵/۸۹۲	بین گروهی درون گروهی کل	عدم احساس خودکارآمدی در انجام پژوهش و نوشتن گزارش
۰/۸۳۰	۰/۰۴۶	۱/۷۹۷ ۳۸/۹۶۴	۱ ۳۳۰ ۳۳۱	۱/۷۹۷ ۱۲۸۵۸/۰۱۹ ۱۲۸۵۹/۸۱۶	بین گروهی درون گروهی کل	فشارهای روحی روانی
۰/۵۶۸	۰/۳۲۶	۲/۸۹۶ ۸/۸۷۹	۱ ۳۳۰ ۳۳۱	۲/۸۹۶ ۲۹۳۰/۱۰۱ ۲۹۳۲/۹۹۷	بین گروهی درون گروهی کل	عدم تشخیص سرقت علمی از سوی اساتید و نشان ندادن واکنش منفی نسبت به آن
۰/۹۸۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶ ۱۸/۳۵۹	۱ ۳۳۰ ۳۳۱	۰/۰۰۶ ۶۰۵۸/۵۱۰ ۶۰۵۸/۵۱۵	بین گروهی درون گروهی کل	مدرک گرایی و توجه زیاد به نمره (کسب نمره بالاتر)
۰/۷۲۳	۰/۱۲۵	۰/۷۲۲ ۵/۷۵۵	۱ ۳۲۹ ۳۳۰	۰/۷۲۲ ۱۸۹۳/۵۵۶ ۱۸۹۴/۲۷۸	بین گروهی درون گروهی کل	عوامل اجتماعی - فرهنگی
۰/۸۷۵	۰/۰۲۵	۰/۱۲۲ ۴/۹۴۳	۱ ۳۲۹ ۳۳۰	۰/۱۲۲ ۱۶۲۶/۳۷۳ ۱۶۲۶/۴۹۵	بین گروهی درون گروهی کل	شرایط فضاهای مجازی و الکترونیکی
۰/۲۷۱	۱/۲۱۷	۸/۷۷۰ ۷/۲۰۵	۱ ۳۲۹ ۳۳۰	۸/۷۷۰ ۲۳۷۰/۳۹۶ ۲۳۷۹/۱۶۶	بین گروهی درون گروهی کل	نبود سازوکارهای مناسب برای تشخیص و تنبیه سارقان علمی
۰/۰۰۴	۸/۴۱۲	۳۱/۷۴۰ ۳/۷۷۳	۱ ۳۳۰ ۳۳۱	۳۱/۷۴۰ ۱۲۴۵/۱۲۸ ۱۲۷۶/۸۶۷	بین گروهی درون گروهی کل	کمبود دانش و آگاهی نسبت به سرقت علمی

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که در سه حیطه: عوامل نگرشی، عدم خودکارآمدی دانشجو در نگارش مطالب علمی، کمبود دانش و آگاهی در زمینه سرقت علمی بین زنان و مردان تفاوت معنادار وجود دارد ($p=0/005$). اما در موارد دیگر تفاوتی بین زنان و مردان مشاهده نمی‌شود.

فناوری آموزشی، علوم کتابداری و اطلاع رسانی تأیید شد و ضرایب پایایی کلی پرسشنامه و مقادیر هر عامل بالای ۰/۷ به دست آمد. از این رو، سوالات پرسشنامه برای اندازه گیری مؤلفه‌های مورد نظر مناسب بود.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه اصفهان (۱۰۷۰۰ نفر) در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ تشکیل می‌دادند. برای محاسبه حجم نمونه ۳۰ پرسشنامه در بین دانشجویان توزیع شد و با برآورد واریانس جامعه به کمک فرمول کوکران حجم نمونه ۳۷۰ نفر برآورد شد. افراد نمونه با استفاده از روش نسبتی به صورت تصادفی از بین دانشجویان دانشکده‌های علوم، فنی مهندسی و انسانی دانشگاه اصفهان انتخاب شدند.

یافته‌ها

آیا عوامل مؤثر بر سرقت علمی براساس عامل جنسیت متفاوت است؟

از بین ۳۷۰ پرسشنامه توزیع شده، ۱۶۷ دانشجوی مرد و ۱۶۵ دانشجوی زن پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. مقایسه میانگین نمره‌های بدست آمده مربوط به ۹ مؤلفه در پژوهش حاضر عبارت بودند از: «عوامل نگرشی بازاریارنده سرقت علمی»، میانگین جمع نمرات زنان ۳۲/۲۱ و در مردان ۲۸/۱۱ است که نشان‌دهنده این است که نگرش زنان نسبت به سرقت علمی از مردان منفی تر است. در زمینه «خودکارآمدی در انجام کارهای علمی و نوشتن مقالات» نیز زنان از میانگین بیشتری نسبت به مردان برخوردارند (میانگین زنان ۳۴/۳۳ و میانگین مردان ۳۰/۱۱). در مورد «فقدان دانش و آگاهی نسبت به سرقت علمی و پیامدهای آن» میانگین مردان از زنان بیشتر است (میانگین مردان ۳۷/۴۵ و میانگین زنان ۳۱/۰۴ بود. در مورد ۶ عامل تأثیرگذار دیگر، میانگین زنان و مردان بسیار به هم نزدیک بود. در مورد عامل «فشارهای روحی روانی»، میانگین زنان ۲۷/۷۸ و در مردان ۲۷/۶۴ بود. در مورد عامل «آموزش‌های قبلی راجع به پدیده سرقت علمی» میانگین زنان ۱۱/۶۵ و میانگین مردان ۱۱/۶۱ بود؛ در مورد «عدم تشخیص سرقت علمی از سوی اساتید و نشان ندادن واکنش منفی نسبت به آن» میانگین زنان ۳۱/۷۸ و مردان ۳۱/۶۴ است؛ در مورد «عوامل

و از کارشناسان خواسته شد که به میزان اهمیتی که برای هر عامل قائلند از ۱ تا ۱۱ عددی را اختصاص دهند. بدین ترتیب که با اهمیت‌ترین عامل تأثیرگذار را رتبه ۱ و کم اهمیت‌ترین عامل تأثیرگذار بر سرقت علمی را رتبه ۱۱ شماره‌گذاری کنند. کارشناسان شامل اساتید و دانشجویان دکتری رشته‌های مختلف دانشگاه اصفهان بودند که به تدریس دروسی نظیر روش تحقیق و سایر دروس مرتبط با گزارش نویسی، کتابداری و اطلاع رسانی اشتغال داشتند و قبلاً پایان نامه و یا طرح تحقیقاتی انجام داده بودند. ۱۱ عامل شناسایی شده به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: توجه زیاد به نمره (کسب نمره بالاتر، عدم احساس خودکارآمدی در انجام پژوهش، عوامل نگرشی، نبود سازوکارهای مناسب برای تشخیص و تنبیه سارقان علمی، عوامل اجتماعی- فرهنگی از نظر میزان توجه به ارزش‌های اخلاقی، آموزش‌های ناکافی قبلی در مورد چگونگی استناددهی و شناسایی سرقت‌های علمی در دوران دبیرستان یا در آموزش‌های غیررسمی، عدم تشخیص اساتید و عدم واکنش، عوامل فشار، نداشتن ترس از تنبیه و مواخذه شدن، آموزش‌های ناکافی در دانشگاه و وجود شرایط خاص فضاها مجازی و الکترونیکی.

در گام چهارم برای پی بردن به اینکه آیا عوامل تأثیرگذار بر سرقت علمی براساس جنسیت و رشته تحصیلی متفاوت است یا خیر؟ پرسشنامه‌ای مرکب از ۹ عامل برگرفته از ۳ مرحله قبل تدوین شد، در ۳ گام قبلی ۱۱ عامل یا مؤلفه شناسایی شده بودند، به دلیل تعداد بسیار کم گزینه‌های برخی از مؤلفه‌ها و همپوشی آنها گزینه‌های مؤلفه‌های ۹ و ۱۱ در عامل‌های دیگر تلفیق شدند. بدین ترتیب که گزینه‌های مؤلفه ۹ «نداشتن ترس از تنبیه و مواخذه شدن» در مؤلفه نگرشی تلفیق شد. گزینه‌های مؤلفه ۱۰ (آموزش‌های ناکافی در دانشگاه) با مؤلفه ۶ یعنی «آموزش‌های ناکافی قبل از ورود به دانشگاه» در هم تلفیق و مؤلفه جدیدی به نام «کمبود دانش و آگاهی نسبت به سرقت علمی و پیامدهای آن» نام‌گذاری شد. بنابراین پرسشنامه جدیدی با ۹ مؤلفه در قالب ۴۵ سؤال تنظیم شد. روایی و پایایی پرسشنامه جدید از طریق تعیین اعتبار صوری و ضریب الفای کرونباخ تعیین شد. روایی آن مجدداً با نظر ۵ نفر از متخصصان

مردان ۳۱/۶۴ است. در مورد «شرایط فضاهای مجازی و الکترونیکی میانگین زنان ۲۱/۸۲ و میانگین مردان ۲۱/۸۹ است». برای نشان دادن اینکه تفاوت بین زنان و مردان در مورد مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرقت علمی معنادار است یا نه؟ از آزمون تحلیل واریانس مانوا استفاده شد که نتیجه آن در جدول ۲

اجتماعی- فرهنگی» میانگین زنان ۲۳/۰۸ و میانگین مردان ۲۲/۹۰ است؛ در مورد «مدرک گرایی و توجه زیاد به نمره (کسب نمره بالاتر)» میانگین زنان ۲۳/۲۵ و میانگین مردان ۲۳/۱۲ است؛ در مورد «نبود سازوکارهای مناسب برای تشخیص و تنبیه سارقان علمی» میانگین زنان ۳۱/۷۸ و در

جدول ۳. خلاصه نتایج تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) بر حسب متغیر رشته تحصیلی

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	حیطه ها
۰/۴۴۴	۰/۸۱۵	۳۲/۲۰۲ ۳۹/۵۱۳	۲ ۳۲۲	۶۸/۴۰۳ ۱۲۷۲۲۳/۳۰۸	عوامل نگرشی بازدارنده از سرقت علمی
۰/۰۰	۱۱/۵۹۴	۱۷۰/۰۹۳ ۱۴/۶۷۱	۲ ۳۲۲	۳۴۰/۱۸۷ ۴۷۲۴/۰۴۱	عدم احساس خودکارآمدی در انجام پژوهش و نوشتن گزارش
۰/۰۰	۹/۶۲۱	۴۴۰/۶۹۱ ۴۵/۸۰۷	۲ ۳۲۲	۵۰۶۴/۲۲۸ ۸۸۱/۳۸۲	کمبود دانش و آگاهی نسبت به سرقت علمی
۰/۵۴۴	۰/۶۱۰	۵/۴۰۶ ۸/۸۶۵	۲ ۳۲۲	۱۰/۸۱۲ ۲۸۵۴/۵۸۵	عدم تشخیص سرقت علمی از سوی اساتید و نشان ندادن واکنش منفی نسبت به آن
۰/۳۴۹	۱/۰۵۷	۱۸/۵۶۸ ۱۷/۵۷۱	۲ ۳۲۲	۳۷/۱۳۷ ۵۶۵۷/۹۴۰	مدرک گرایی و توجه زیاد به نمره (کسب نمره بالاتر)
۰/۰۳۷	۳/۳۳۴	۱۹/۰۵۲ ۵/۷۱۴	۲ ۳۲۱	۳۸/۱۰۵ ۱۸۳۴/۲۹۰	عوامل اجتماعی- فرهنگی
۰/۲۶۳	۱/۳۴۳	۶/۷۰۰ ۴/۹۸۹	۲ ۳۲۱	۱۳/۳۹۹ ۱۶۰/۱۶۰۱	شرایط فضاهای مجازی و الکترونیکی
۰/۱۲۲	۲/۱۲۰	۱۵/۱۰۰ ۷/۱۲۱	۲ ۳۲۱	۳۰/۲۰۰ ۲۲۸۵/۹۸۲	نبود سازوکارهای مناسب برای تشخیص و تنبیه سارقان علمی
۰/۵۳۴	۰/۶۲۸	۲/۳۳۱ ۳/۷۱۳	۲ ۳۲۲	۴/۶۶۳ ۱۱۹۵/۷۲۵	فشارهای روحی روانی
			۳۲۴	۱۲۰۰/۳۸۸	کل

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که بین رشته تحصیلی و عوامل مؤثر بر سرقت علمی در دو حیطه فقدان دانش و آگاهی در زمینه سرقت علمی و عدم خودکارآمدی دانشجویان در نگارش مطالب علمی در سطح ($P=0/005$) بین دانشجویان بر حسب رشته تحصیلی تفاوت وجود دارد.

مشاهده می‌شود. سوال دوم: آیا عوامل مؤثر بر سرقت علمی براساس رشته تحصیلی دانشجویان متفاوت است؟ از بین ۳۷۰ پرسشنامه توزیع شده، ۱۶۹ نفر از دانشجویان رشته‌های علوم انسانی، ۸۱ نفر از رشته‌های فنی مهندسی و ۷۵ نفر از رشته‌های علوم شرکت کردند. مقایسه میانگین نمره‌های بدست آمده مربوط به ۹ مؤلفه در سه رشته تحصیلی فقط در دو مؤلفه «نداشتن دانش و آگاهی در مورد سرقت علمی» و «عدم خودکارآمدی در انجام پژوهش و کارهای علمی» تفاوت نشان داد که در این رابطه ابتدا به ذکر میانگین‌ها و سپس جدول معنی داری آورده می‌شود. جمع میانگین‌های مؤلفه «کمبود دانش و آگاهی نسبت به سرقت علمی در رشته علوم انسانی» ۱۰/۷۴، در رشته‌های علوم ۱۱/۰۸ و در رشته‌های فنی ۱۲/۹۱ است. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که دانشجویان علوم انسانی نسبت به

دو رشته دیگر در مورد سرقت علمی و راههای ارتکاب به آن و عواقب آن از دانشجویان دو رشته دیگر آگاهتر بودند و اطلاعات بیشتری در این رابطه داشتند. در زمینه «عدم خودکارآمدی در انجام کارهای علمی - پژوهشی و نوشتن مقالات» میانگین رشته‌های علوم انسانی ۲۵/۴۰، رشته‌های علوم در این مؤلفه ۲۲/۸۸ و رشته فنی مهندسی ۲۱/۶۱ است. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که دانشجویان فنی مهندسی در نوشتن مقالات و انجام کارهای علمی از دو رشته دیگر قوی تر بودند. برای پی بردن به معناداری اختلاف میانگین بین رشته‌ها در این مؤلفه‌ها از آزمون تحلیل واریانس مانوا استفاده شد که نتیجه آن در جدول ۲ دیده می‌شود.

برای پی بردن به اینکه تفاوت مشاهده شده در بین کدام رشته‌ها است از آزمون مقایسه دو به دو ال اس دی استفاده شد که نتیجه آن در جدول ۴ دیده می‌شود.

جدول ۴. نتایج آزمون ال اس دی مقایسه دو به دو عوامل مؤثر بر سرقت علمی برحسب رشته‌های مختلف

مقایسه دو به دو	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	معناداری
انسانی / فنی	*۲/۱۶۴۵۸	۰/۵۱۷۶۲	۰/۰۰۰
علوم پایه / فنی	*۱/۹۰۵۳۳	۰/۵۳۱۴۳	۰/۰۰۱
انسانی / علوم پایه	*-۲/۱۶۴۵۸	۰/۵۱۷۶۲	۰/۰۰۰
علوم پایه / علوم پایه	-۰/۲۵۹۲۶	۰/۶۱۳۷۹	۰/۶۵۸
انسانی / علوم پایه	*-۱/۹۰۵۳۳	۰/۵۳۱۴۳	۰/۰۰۱
فنی / علوم پایه	۰/۲۵۹۲۶	۰/۶۱۳۷۹	۰/۶۵۸

مقایسه‌های دو به دو با استفاده از آزمون ال اس دی تفاوت بین میانگین‌ها را نشان داده است. همانگونه که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود تفاوت معناداری بین میانگین کمبود دانش و آگاهی و همچنین عدم خودکارآمدی دانشجویان در نوشتن مقاله بین دانشجویان علوم انسانی با علوم پایه و مهندسی تفاوت معناداری وجود دارد در صورتی که تفاوت معناداری بین دانشجویان فنی مهندسی و علوم پایه در این دو پارامتر وجود ندارد ولی بین دانشجویان فنی و انسانی تفاوت معناداری در دو عامل ذکر شده وجود دارد. تفاوت بین دانشجویان علوم پایه و علوم انسانی معنادار است (۰/۰۰۱ < p= ولی بین دانشجویان علوم پایه و فنی مهندسی معنادار نیست.

بحث

در نگرش آنان نسبت به سرقت علمی در داخل کشور مشاهده می‌شود. برای پاسخ به این سؤال نیاز به تحقیقات بیشتری احساس می‌شود. به علاوه، وجود شرایط فرهنگی اجتماعی خاص در ایران ایجاب می‌کند تا تحقیقات بیشتری در این موارد صورت گیرد. لذا به پژوهشگران توصیه می‌شود به علت شناسی این پدیده پرداخته و نقش کلیشه‌های جنسیتی و فرهنگ جامعه را در این پدیده بررسی کنند.

یافته‌های پژوهش حاضر همچنین نشان داده است که بین خودکارآمدی دانشجویان در نگارش مقالات بر اساس جنسیت تفاوت معنادار وجود دارد و مردان نسبت به زنان احساس خودکارآمدی بیشتری در انجام کارهای علمی و نوشتن مقالات دارند. این یافته با نتایج سایر پژوهشگران (۳۱، ۳۲) همسو می‌باشد. در این پژوهش‌ها مردان نسبت به خودکارآمدی خود در کارهای علمی و فنی اعتماد به نفس بیشتری داشته و خود را خودکارآمدتر از زنان می‌دانند که علت این امر مربوط به کلیشه‌های جنسیتی و ارزش‌های فرهنگی، خانوادگی راجع به برتری هوش و توانمندی مردان نسبت به زنان است.

در مورد سؤال دوم پژوهش، همان‌گونه که نتایج نشان داد بیشترین تفاوت میان دانشجویان مربوط به مؤلفه‌های «دانش و آگاهی» و «خودکارآمدی» دانشجویان رشته‌های سه گانه علوم انسانی، فنی مهندسی و علوم پایه است. «دانش و آگاهی» و «خودکارآمدی» دانشجویان رشته‌های علوم انسانی با دو رشته دیگر (علوم پایه و فنی مهندسی) متفاوت است. «دانش و آگاهی» دانشجویان رشته‌های علوم انسانی نسبت به شیوه‌های ارجاع دهی و منبع نویسی بیشتر از دانشجویان رشته‌های فنی مهندسی و علوم پایه است. زیرا تحقیقات پژوهشی دانشجویان رشته‌های انسانی در دوره‌های قبل از دانشگاه (دبیرستان) به شیوه کتابخانه‌ای انجام می‌شود و در نتیجه آنان دانش بیشتری در زمینه منبع نویسی کسب کرده‌اند. همچنین در سطح دانشگاه نیز در دروس آنان شیوه‌های منبع نویسی بیشتر تمرین می‌شود. از نظر خودکارآمدی در نوشتن مقالات و نوشته‌های علمی، به ویژه در نوشتن مقالات خارجی، دانشجویان فنی مهندسی در رتبه اول، سپس دانشجویان رشته‌های علوم رتبه دوم و دانشجویان رشته‌های علوم انسانی در رتبه آخر قرار دارند. دلیل

سرقت علمی (کپی برداری غیرمجاز) یکی از بزرگ‌ترین آفت‌هایی است که گریبانگیر جامعه علمی و پژوهشی شده است. این امر به دلایل مختلفی ممکن است اتفاق بیفتد. دلایلی نظیر عوامل نگرشی، فقدان آگاهی و دانش، تسهیلات اینترنتی، عدم خودکارآمدی در انجام پژوهش و نوشتن مقاله، فشارهای روحی روانی، نبود سازوکارهای مناسب برای تشخیص و تنبیه سارقان علمی، شرایط اجتماعی فرهنگی جامعه، واکنش اساتید نسبت به سرقت علمی دانشجویان و شرایط خاص فضاهای مجازی. هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که آیا عوامل ذکر شده بر حسب عامل جنسیت و رشته تحصیلی متفاوت است؟

یافته‌های پژوهش نشان داد که بین نگرش، دانش، آگاهی و میزان خودکارآمدی زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد. این تفاوت در زمینه نگرش، دانش و آگاهی به نفع زنان و در خودکارآمدی در نوشتن مقالات به نفع مردان است. همانطور که نتایج پژوهش حاضر نشان داد، زنان در مقایسه با مردان نگرش منفی‌تری نسبت به تقلب دارند. همچنین نسبت به مردان دانش و آگاهی بیشتری درباره نادرست بودن و عواقب مادی و معنوی آن دارند. نتایج این پژوهش‌ها نشان داده است که بین زنان و مردان در توجیه رفتارهای غیراخلاقی تفاوت وجود دارد (۲۶). به عنوان نمونه، زمانی که زنان به دلیل سرقت، تقلب و یا کار غیراخلاقی مواخذه می‌شوند، دلایل جزئی و بیشماری را ذکر می‌کنند و اظهار ندامت و پشیمانی دارند. اما مردان آن را امری عادی دانسته‌اند. به عقیده برخی از صاحب نظران، مردان در مقایسه با زنان تمایل بیشتری به انجام رفتارهای غیر اخلاقی از خود نشان می‌دهند (۲۷، ۲۸). نگرش مثبت زنان به انجام کارهای اخلاقی و پسندیده سبب حساسیت آنان به این پدیده شده و علاقه آنان را نسبت به افزایش دانش و آگاهی بیشتر کرده است. دلیل دیگر این پدیده می‌تواند در تفاوت نظام‌های ارزشی زنان و مردان باشد (۲۹، ۳۰). برای مردان مهم است که مقاله و یا کتابی را تهیه کرده و از این راه به نوعی کسب درآمد کنند. اما برای زنان حس شهرت و کامیابی که از نتیجه تلاش خود به دست می‌آورند دارای ارزش بیشتری است (۲۷). تحقیقات بسیار کمی مبنی بر وجود یا عدم وجود تفاوت بین زنان و مردان

مجازات و تنبیه سازقان علمی، همچنین روش‌های کشف و شناسایی الکترونیکی سرقت‌های علمی و آموزش اساتید برای شناسایی سرقت علمی توسط دانشجویان است. این قوانین و مقررات از طریق شبکه‌های داخل دانشگاه، شبکه‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و همچنین در جلسات معارفه دانشجویان تازه وارد باید معرفی و آموزش داده شوند. تأکید بر اجرای آیین نامه‌های مربوط به حفظ حقوق مالکیت‌های فکری، و تنبیه متخلفان از سوی دانشگاهها جدی تلقی شود و به صورت مستمر کارگاههای آموزشی برای اساتید و دانشجویان در مورد شناسایی پدیده سرقت علمی، راههای تشخیص سرقت علمی و راههای پیشگیری از سرقت علمی گذاشته شود. برای متخلفان از قوانین وضع شده تنبیه‌های مناسب در نظر گرفته شود. نرم افزارهایی برای شناسایی سرقت‌های علمی از طرف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تدوین شود. مسئولین امور فرهنگی نظیر تولیدکنندگان رسانه‌های ارتباط جمعی، مبلغین دینی در مورد نکوهش سرقت علمی و ادبی مردم را آگاه نمایند. در برنامه درسی مقاطع گوناگون تحصیلی، دانش آوزان را نسبت به سرقت علمی و راههای پیشگیری از آن آگاه سازند. در دروس روش تحقیق مطالبی در مورد چگونگی ارتکاب به سرقت علمی توضیح داده شود. بعد از اجرای راهکارهای عمومی، لازم است با انجام پژوهش‌های بیشتر راجع به تفاوت بین رشته‌ها و برخی از ویژگی‌های دموگرافیک نظیر جنسیت و پی بردن به تفاوت‌ها، آموزش‌های تربیتی-اخلاقی از سوی دانشگاهها در نظر گرفته شود.

این امر هم به ماهیت رشته‌ها مربوط می‌شود به طوری که مقالات دانشجویان رشته‌های فنی و علوم پایه بیشتر کاربردی و اغلب مبتنی بر کارهای آزمایشگاهی است که توسط خود دانشجو انجام می‌شود و امکان تقلب و گرفتن مطالب از دیگران کمتر است در صورتی که مقالات علوم انسانی بیشتر حالت نظری دارد و مبتنی بر نظرات و دیدگاهها است که رسیدن به نظریه و داشتن دیدگاه در رشته‌های علوم انسانی نیاز به سال‌ها کار و تلاش شبانه روزی دارد. کپی برداری از مطالب دیگران بدون ذکر منبع در رشته‌های علوم انسانی شایع تر است گرچه در ادبیات تحقیق به شیوع پاره‌ای از تقلب‌ها در رشته‌های فنی و مهندسی و علوم نیز اشاره شده است (۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲). این امر ممکن است به این دلیل باشد که معمولاً به دلیل کمبود منابع داخلی به زبان مادری در زمینه‌های فنی و مهندسی و فشارهایی که به دانشجویان وارد می‌شود بیشتر دانشجویان مجبور به انجام سرقت علمی می‌شوند. گاهی نیز دانشجویان سهوا مرتکب انجام چنین کاری می‌شوند. معمولاً این بی‌دقتی دانشجو در شیوه ارجاع دهی منابع می‌باشد که موجب می‌شود به وی برچسب سرقت علمی زده شود. در برخی موارد نیز دانشجو به نتایجی دست می‌یابد که قبلاً توسط پژوهشگران دیگری نیز این نتایج به‌دست آمده است، اما به تصور خویش این نتایج را تازه و نو می‌شمارد و به نام خود ثبت می‌کند. در این حال در اصل دانشجو مرتکب سرقت علمی نشده است. اما کم کاری در زمینه جست‌وجوی منابع مرتبط باعث می‌شود که به عنوان سارق علمی جلوه نماید.

واژه نامه

- | | |
|------------------------------------|---|
| 1. Plagiarism | سرقت علمی - دزدی ادبی |
| 2. Academic Dishonesty | نداشتن صداقت علمی
فقدان دانش و آگاهی |
| 3. Lack of knowledge and Awareness | |
| 4. Personal Attitudes | نگرش‌های شخصی |
| 5. Internet Facilities | تسهیلات اینترنتی |

نتیجه گیری

بیشتر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرقت علمی دانشجویان صرفنظر از جنسیت و رشته تحصیلی یکسان است و لازم است اقدامات عمومی و جمعی برای پیشگیری از ارتکاب به سرقت علمی دانشجویان از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سایر مؤسسات آموزش عالی و همچنین دانشگاهها برداشته شود از جمله راهکارهای عمومی می‌توان از تصویب قوانین حقوق مالکیت دارایی‌های فکری، استقرار سازوکارهای روشن در دانشگاهها نظیر تصویب مقررات و آیین نامه‌های انضباطی برای

منابع

14. Auer NJ, krupar EM (2001). Mouse clicks plagiarism: the role of technology in plagiarism and the librarian roles in combating it. *Library Trends* 49 (3): 415-435.
15. Love PG, Simmons J (1998). Factors influencing cheating and plagiarism among graduate students in a college of education. *College Student Journal* 32 (4):1-8.
۱۶. اسلامی، سید حسن. سرقت علمی در سطح دانشگاهی. نشریه آیینیه پژوهش. ۱۳۹۰. سال بیست دوم، فروردین و اردیبهشت. شماره ۱۲۷.
17. Gilligan, C (1977). In a different voice: Women's conceptions of self and morality. *Harvard Educational Review* 47: 481-517.
18. Kohlberg L (1981) *The philosophy of moral development*. San Francisco, CA: Harper and Row.
19. Meade J (1992). Cheating: is academic dishonesty par for the course?, *Prism*, 1 (7):30-32.
20. Bowers WJ (1994). *Student dishonesty and its control in college*. New York: Bureau of Applied Social Research, Columbia University.
21. Newstead SE, Franklin-Stokes A, Armstead P (1996). Individual differences in student cheating", *Journal of Educational Psychology* 88 (2): 229-41.
22. Ercegovic Z, Richrdson Jr JV (2004). *Academic Dishonesty, Plagiarism Included, in the Digital Age: A Literature Review*. College & Research Libraries.
23. Iyer R .Et Al (2006). *Academic Dishonesty: Are Business Students Different From Other College Students?* *Journal of Education for Business* 82(2):102-110.
24. Becker D'Arcy A, Ulstad I (2007). *Gender Differences in Student Ethics: Are Females Really More Ethical? Plagiary: Cross –Disciplinary studies in plagiarism, fabrication and falsification* 2.
25. Ameen EC, Guffey DM, McMillan JJ (1996). Gender differences in determining the ethical sensitivity of future accounting professionals. *Journal of Business Ethics* 15: 591-597
26. Jones TM, Gautschi FH (1988). Will the ethics of business change? A survey of future executives. *Journal of Business Ethics* 7: 231-248.
27. Galbraith S ,Stephenson HB (1993). Decision rules used by male and female business students in making ethical value judgments: Another look. *Journal of Business Ethics* 12: 227-233.
28. Bateman CR, Valentine, SR(2010). Investigating the Effects of Gender on Consumers' Moral Philosophies
1. McCabe D L, Trevino L K (2000). Individual and contextual influences on academic dishonesty: A multi campus investigation. *Research in Higher Education*, 38, p: 379-396.
2. Kibler WL (1993). 2. *Academic Dishonesty: A Student Development Dilemma*, *NASPA Journal* 30 : 253.
۳. خامسان احمد، امیری محمدصغر، بررسی تقلب تحصیلی در میان دانشجویان دختر و پسر، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۳۹۰، شماره ۱، ۵۳-۶۲.
4. Alschuler A, Blimling G S (1995) *Curbing epidemic cheating through systemic change*, *College Teaching* 43 (4): 123-126.
5. Mahmood A, Alisahh M (2011). Conceptual awareness of research scholars about plagiarism at higher education level: intellectual property right and patent. *International Journal of Academic Research* 3(1): 655-670.
6. Pupovac V, Bilic-Zulle, L, Petroveski M (2008). On academic plagiarism in Europe . An analytic approach based on four studies . In: R. COMAS, J. SUREDA (cords.). *Academic cyber plagiarism [online dossier]*. *Digithum* 10: 14-18.
7. Park C (2003). In other (people's words): Plagiarism by university students Literature and lessons. *Assessment and Evaluation in Higher Education* 28 (5): 471-488.
8. Dennis L (2004). *Student Attitudes to Plagiarism and Collusion within Computer Science*. *Plagiarism: Prevention, Practice and Policies 2004 Conference*.
9. Dawson M, Overfeild AJ (2006). *Plagiarism: Do students know what it is?* Manchester Metropolitan University, UK.
10. Scanlon PM, Neumann DR (2002). *Internet Plagiarism among college students* .*Journal of College Student Development* 22(1):374.
11. White EM (1993). Too many campuses want to sweep student plagiarism under the rug . *The Chronicle of Higher Education* 39(25): 44.
12. Rosnow RL, Rosnow M (1995). *Writing Papers in Psychology*, 3rd ed. Brooks/Cole, Pacific Grove, CA.
13. Zack I (1998). Universities finding a sharp rise in computer aided cheating. *New York Times Vol. 1998, September 23, Section B: 11-30*.

32. Zamani, BE (2010b). Successful Implementation factors for using computers in Iranian schools during one decade, 1995-2005. *Computers & Education*. 54(1): 59-68
33. Dehghani L, Zamani, BE, Abedi A (2011). Relation between Iranian students' attitudes subscales with the kind of internet usage in universities. 3rd world conference on educational sciences. Bahceschir university, ۲۰۱۰/۰۲/۰۳, Turkey, Istanbul.
- and Ethical Intentions. *Journal of Business Ethics* 95(3): 393-414.
29. Devonish D, Alleyne PA, Cadogan-McClean C, Greenidge D (2009). An Empirical Study of Future Professionals' Intentions to Engage in Unethical Business Practices. *Journal of Academic Ethics*, 7(3):159-173.
30. Janowski A (2002) Plagiarism: Prevention, not PROSCUTION , Book review 21 (2) :1-4.
31. Zamani, BE (2010a). Challenges for using ICT in schools of developing countries. *Journal of Education Research* 4(2): 155-186.

